جمعه, 06 بهمن 1391 ساعت 15:18

فلسفه واسرار نمازبه قلم نادر حسن زاده



پایگاه بین المللی همکاری های خبری شیعه(شفقنا)،دریادداشتی با عنوان فلسفه واسرار نمازبه قلم نادر حسن زاده که برای ما ارسال شده در ذیل آورده می شود:

بسمه تعالي

در پاسخ به پرسش اسلام کوئست که "دلیل و اساس دستور نماز در مذهب شیعه چیست؟ آنچه را که من یافتم دلیل آن خیلي کم است چه بهتر اگر در هر حرکت و قرائتش دليلي داشته باشد". اولا باید گفت بکارگیري لفظ شیعه و سني براي نماز بي معناست. چون هر دو با يك زبان، در يك زمان با خداي واحد خود هم کلام مي شوند.

اما فلسفه نماز هر چند ناپایان اما به روایت این قلم دیدارهاي روزانه (صبحگاهي، ظهر/ عصرگاهي و شام/ شبانگاهي) امت مسلمان با خدا و رسولش و همه نیروهاي خداجوي است. آداب دیدار مشخص است: پاك بودن (پاکي جسم، لباس، مال، مکان و..)، يك جهت بودن (رو به قبله ایستادن)، يك درب زدن (اذان و اقامه)، يك نفر را تسبیح گفتن (رکعت ها، رکوع و سجود/ قنوت ها و تسبیحات اربعه)، يك جور شهادت دادن (تشهد)، سه سلام دادن (به نبیین/رسولین/مصلحین/مقربین و مومنین تمام ادیان و مذاهب، متوفي و زنده) و بالاخره در باغ بودن(حضور قلب).

پس تسبیح خاص خدا، شهادت خاص خدا و پیامبر خاتم او و سلام خاص پیامبر و دیگر بندگان خدا است. خود خدا سلام ندارد. غیر خدا هم تسبیح ندارد. تسبیح غیر خدا شرك است از هر قسم که باشد.

من دوست دارم این بحث را از سلام هاي نماز شروع کنم که پر از رگه هاي رمز و راز است. در این سلامها تکلیف دو سلام اول مشخص و سلام سوم مبهم است. پازل عامدانه و هوشمندانه. مسلمانان باید همچنانکه تسبیح خدا مي گویند باید به مخاطبین سلام هاي خود نیز فکر کنند و از خود بپرسند چرا سلام آخر نماز؟ چرا مخاطب سلام سوم مبهم است؟ چرا بر حسب ظاهر همه سلام ها واجب نیستند؟

از امام رضا(ع) نقل شده است كه سلام براي اين در پايان نماز قرار داده شد كه سخن گفتن با مخلوقين در ابتداي نماز حرام است. از امام صادق(ع) سؤال شد چرا پايان نماز سلام قرار داده شده، فرمود: "سلام نماز سلامتي بنده است از آتش".

قدر مسلم، نماز جاي سلام دادن به آدمهاي ناپاك نيست. جاي وقت تلف كردن و بي خيالي هم نيست. اركان نماز بدقت تنظيم شده است. يك اشتباه تو را از وادي رحمت دور مي كند و فقها با تبيين اقسام شك ها، ميزان حيراني و يا سرگرداني تو را در نماز گوشزد مي كنند! در يك كلمه نماز، مقام ايستادن است! لذتش به گرفتن رخصت براي نشستن است! چند بار بايد نشست؟ در هر ركعت يك بار! كدام نشست بالاترين است؟ نشست آخر! بعد از سجده آخر! جائي كه تو مي گوئي و خدا و پيغمبر و اوليا همه مي شنوند(تشهد و سلام) و همه پاسخ سلام تو را مي دهند! در پيشگاه خدا سلام نشسته مقبول است و در نزد طاغيان و ياغيان ايستاده! و اين اوج احترام خدا به بندگان خود است و اين يكي بي احترامي بشر گردن كش به بندگان خدا است.

مگر براي خدا سخت بود دستور برعكس آداب نماز را بدهد؟ از سجده تا قيام! اما او آرامش مصلين را مي خواهد. براي همين او نماز صبح را دو ركعت قرار داده است و ثوابش همسان ديگر نمازها قرار داده است. اما اگر تاكنون در باند فرود سجده آخر قرار گرفته اي ولي موفق به شنيدن جواب سلامهاي مخاطبين خود نشدي بدان در باريابي خطا داري! در ساير موارد هم حكمت خدا بالغه است.

چرا رمضان را ضيافت الله مي خواند! تنها ضيافتي كه ميهمان بظاهر در آن گرسنه است! چون جاي طعام آسماني، معده پر نيست! طعام زميني با طعام آسماني ممزوج نمي شود! به محض اينكه معده را خالي كردي با طعامي پر مي شود كه سعدي از آن نور معرفت ياد مي كند (اندرون از طعام خالي دار/ تا در آن نور معرفت بيني).

هكذا در موضوع زكات و قرض به خدا؟ چرا دستور خرج پول مي دهد چون تا جيب تو از پول زميني پر است، پول خدادادي داخل جيب تو نمي شود. با هر ريال كه از جيبت با طيب خاطر خالي مي شود، هفتاد ريال نقدا به حساب جيبت واريز مي شود. محاسبات ديگر جاي خود دارد و قلم و دوات ديگر مي خواهد. آثار مشهود پول واريزي، بركت پول توست و بس.

اما آنچه كه من قاصر از نماز معرفتي درك مي كنم به شرح زير است:

حق اين است كه سلام ها در آخر نماز و اشارات آن پر از رمز و راز باشند. من به مكان سلام ها "دار السلام" اطلاق مي كنم چون در اين منزل همه سالكين و مقربين حضور دائم، امين و آمين دارند. در همين قسمت اول سلام دوم (السلام علينا) انسان با تمام وجودش اين حضور را لمس مي كند سلامي كه مي دهد به جمع نمازگزاران زنده كه تعدادشان در يك نوبت نماز به ميليونها نفر مي رسد و هر نوبت آن بدون تكرار بي وقفه است و نيز به شاهدان متوفي اين نمازگزاران مي دهد.

شرط ادب حكم مي كند اول از صاحبخانه تشكر كني بعد به ميهمانان سلام دهي. با آنكه اغلب ما همه نماز هاي غفلت مي خوانيم مع الوصف خدا سلام ها را در آخر نماز قرار داده تا بي مواخذه از بي ادبي هاي معمول نمازگزاران (عرض ادب هاي سرسري به خدا و پيامبر او) در سايه رحمت الهي فرد نمازگزار بتواند وارد

دارالسلام در سراي اندرون بشود! جائيكه روزي خدا اگر بخواهد و بنده طالب آنجا باشد خود ساكن دائم آنجا خواهد بود.

از اين رو، اگر نمازگزار در قسمت سلام ها هم هنوز فكرش در جاي ديگر غير از نماز است. بهتر ا ست پس از اتمام نماز در همان حال نشسته سلام ها را يك بار ديگر تكرار كند تا سلام و جواب سلام خود را داده و شنيده باشد. اگرچه اين نوع احترام، احترام از راه دور است (سلام قبل از پايان و بعد از پايان نماز به دوري نوبت نماز بعدي است).

در مورد مخاطب سلام سوم نمازگزاران هر چه گوئي هم كم است و هم بيراه! دارالسلام جاي سلام است اما به كي ها؟ به فرشتگان؟ به جن و انس؟ به همه نيروهاي خداجوي گذشته، حال و آينده؟ به همه مرده ها و زنده ها، عملي كه ما در زيارت قبور مسلمين و غير مسلمان مي كنيم و بدون شناخت از ايشان به همه آنها فاتحه مي فرستيم.

بالاخره همه گناهكاران مجازات خواهند شد اما هيچيك نابود نخواهند شد. آيا ممكن ست در اين سلام سوم بطور ناآگاهانه به وجودهاي مجازات شده غير مخلد در جهنم هم سلام مي فرستيم؟ يعني ان سان ظرفيت درك رحمانيت خدا را ندارد و همو شعاع و عمق مغفرت خود را از ما مخفي گذاشته است؟

حضرت علي(ع) مي فرمايند خطاب" السلام عليكم "... به همگان ا ست، به معناي آن است كه همگي از عذاب خدا در روز قيامت مصون هستيد". رمزگشائي از اين جم له كار هر كس نيست. اما شايد منظور از عليكم كساني باشند كه زنده اند، آزمايش مي شوند، سربلند امتحان ها هستند و مي روند در عالم برزخ مخاطب سلام سوم انسانهاي بعد از خود بشوند.

اما چرا به نماز اول وقت تاكيد شده به هزاران دليل گفته و ناگفته كه در جاي ديگر آوردم اجمالا خدا در يك وقت معين در جمع اندروني حضور معنوي پيدا مي كند(لقاء الله) و دوست مي دارد ه مه نمازگزاران از اين رحمت حضور حظ وافر ببرند. اما مصدايق حالات مختلف نماز هاي يوميه ما:

اگر هيچ نماز نمي خواني از رحمت ديدار محرومي اگر مرتب نماز نمي خواني گذرا ديدار مي كني اگر نمازت دير مي شود آخر مراسم ها مي رسي اگر نمازت قضا مي شود در جمع ها غايبي

اگر براي مردم نماز مي خواني نفس پرستي اگر براي صف اول جما عت نماز مي خواني پادا شت با صف آخريها است اگر گير اداي درست ولاالضالين هيچ وقت به ديدار نمي رسي

اگر براي ثواب نماز مي خواني نه ثواب شناسي و نه خدا شناس اگر دلت نماز مي خواهد اما ن مي خواني! جزو كساني هستي كه كارت دعوت داري، آدرس هم بلدي، تا دم محل

ملاقات هم مي روي اما دست از پا درازتر به خانه بر مي گردي اگر فكرت در نماز به هزار جاست دعوت شده سرگرداني اگر ركعتي از نماز را فراموش مي كني از بعضي ديدارها محرومي

اگر كثير الشكي هنوز وارد هيچيك از دو سالن اصلي ديدار نشده اي اگر نماز مستحبي مي خواني چند بار در روز ديدار مي كني اگر نماز شب مي خواني، ميهمانان ويژه ائي. تو را با سلام و صلوات به م حل ديدار مي برند اگر از نماز خواندن سير نمي شوي، يا معتادي يا بيكار ا گر به نماز جماعت علاقمندي به كارت سبز مخلصين له دين و كانال سبز ايشان اميدوار باش اگر در اول وقت نماز، نماز قضا را زودتر ادا مي كني به د يدار اصلي دير مي رسي اگر نماز را با عجله مي خواني، انگشت نماي مخاطب هاي سلامهاي نمازي

اما پازل هاي روشن و تاريك اين ديدگاه:

خواندن تسبيحات حضرت فاطمه زهرا(ع) كه به منزله تشكر از اجازه ديدار خدا در هنگام خداحافظي است. امري بجا، شايسته و بحق. نشان مي دهد اين هديه آسماني به آن مادر همه مسلمين جهان بوده است. سجده پاياني نماز را كه بعضي از نمازگزاران در پايان نماز به آن اقدام مي كنند بهترين مقام و افتاده ترين حالت بدن براي التماس دعاست.

اين مقام براي ادب مستكبران است. و آدمهاي جاهل بايد بدانند اين تواضع خاص خداست و نبايد آن را بقول مرحوم اقبال لاهوري نذر قباد و جم بكنند! در همه ركعت ها دستور به ستايش به حالت ايستا است. بعد هر ركعت، نوبت به ركوع و سجود مي رسد (حالت به زانو و افتاده) تا ستايش و تعبد به اوج خود بفرستد و بندگي ها به اثبات برسد. هيچ خواسته فردي در اين مقام ها قابل توجيه نيست.

بعد نوبت به خواندن تسبيحات اربعه مي رسد و باز ستايش خدا! درحاليكه روند طبيعي ستايش و آهنگ آن بخوبي در نماز ديده شده است. ستايش ها در دو ركعت اول نمازهاي مغرب و عشا با صداي بلند شروع و با صداي آرام در ركعت(ها)ي بعد دنبال مي شود. چرا بايد تسبيحات اربعه در همه نماز ها با صداي آرام خوانده شود؟ براي دقت است؟ براي تمايز دادن دو ركعت اول با ركعت هاي بعدي است؟ براي حفظ موسيقي نماز است؟ براي به هوش آوردن نمازگزار غرق در مشكلات خود است؟ گاردريل نمازست؟ يا قله آخر فتح نماز؟ چقدر ما قادريم از اركان نماز رمزگشائي بكنيم؟ كسانيكه از نماز رمزگشائي كردند چقدر خواندن نماز براي ايشان سخت يا آسان مي شود؟ چرا تيغ را فقط در هنگام اقامه نماز مي شد از پاي علي(ع)در آورد؟ چرا حرا فقط حضرت پيامبر(ص) را مي خواند؟ آيا نماز همه تاريخ انسان است؟ سئوال آيا قنوت مزاحم يا مراحم نماز است؟ آيا قنوت تسلسل طبيعي ستايش خدا را مختل مي كند؟ ستايشي كه با حمد و سوره شروع و با آهنگ ملايم تسبيحات به اوج مي رسد. چرا نماز برادران اهل سنت قنوت ندارد و در مذهب شيعه هم يك امر مستحبي است؟ اين چراها براي نماز اهل تسنن هم كه آخر سوره حمد، آمين مي گويند هم هست. آيا سوره توحيد، سوره حمد است و يا سوره دعا. ممكنست سئوال شود پس كجاي نماز محل دعاست؟

مي گويم آخرين سجده نماز وقتي كه به زمين بازگشتي(بايد با هر نماز احساس برخاستن و ركورد شكستن پيدا كني. نمودش هم رفتارهاي بعد از نماز توست) و همه نگاهت اين بار از پائين به بالا است و احساس مي كني در زمين تنهائي و همه مشكلات با تدبير تو حل نمي شوند.

كسي كه به ديدار حق شتافته و نزديكترين كس را به خدا رسول گرامي مي بيند(تشهد) و در دار سلام آنچه مي بيند جمع همه خوبان است چه نيازي به عريضه دادن و دعا كردن دارد الا غنودن در آن وادي رحمت. هيچ مخاطب سه سلام قابل اغماض نيستند. سلام ما به ايشان متضمن سلامتي ماست و ذخيره جا در همان دارسلام پس از فوت اگر نگويم قبل از فوت! مثال اين مقام به قطاري ماند كه موتور محركه آن حيات ما و سوخت آن سلام هاي ماست. بعد از فوت، جاي ما را ديگر نمازگزاران مي گيرند و به ما اگر از صالحين باشيم در كوپه آخر قطار (مقام سلام) بعنوان مسافر راه حق سلام مي فرستند. ضمن اينكه وقتي فردي وارد دارسلام مي شود نهايت بي ادبي است به يك نفر/گروه سلام بدهد و به فرد/گروه ديگر بي ادبي!

بايد دانست اداي نماز واقعي چندين اثر انگشت دارد كه نمود ظاهري آن بر پيشاني و زانوها هست(و نه صرفا بر پيشاني و نه فقط در پيشاني آقايان!). نمود ديگرش غافل نشدن يا كم غافل شدن در خواندن نمازهاي يوميه است؟

چرا در نماز همه از نماز غافل مي شويم؟ چرا وقتي هم كه تصميم مي گيري با دقت و حضور نماز بخواني يك ثانيه هم قادر به عهد خود نيستي؟ آيا بخاطر ندانستن زبان عربي است؟ آيا خدا اين جوري خواسته است؟ تا انسان به ظاهر با خدا اما در عمل با خلوت خودش هم صحبت بشود؟ خوب آنموقع چرا از اين فرصت طلائي همه استفاده نمي كنند؟ آيا انسان به اين خلوت نياز دارد؟ تا هر آن چه را هم در يادش نبوده در نماز به يادش آيد؟ يا نه خدا با اين وسيله خواسته يك محكي براي مقبوليت نماز براي انسان تعريف بكند و خيلي منتظر جواب آزمون نماز

خود نباشد! با اين مقدمه اگر يك موقع هائي با نماز خود حال مي كني بدان به يك جا هائي مي رسي و اگر مدت آن طولاني و اثرات اجتماعي آن بيشتر شد بيشتر اميدوار باش. و اما اگر خواندن هزاران ركعت نماز براي تو خستگي آورد و رفتاريت را دگرگون نكرد و تو را بيشتر متظاهر كرد نماز را بابوس و مدتي كنار بگذار تا احساس دوري از خدا را بكني! و وقتي هم كه تمايل داشتي به نماز بر گردي ابتدا از خدمت به خلق خدا شروع كن. از بذل مالت و وقتت شروع كن. اين ديون توست كه نپرداخته ايد. و تا اين ديون به گردن توست باز خواني نماز بي فايده است. آزموده را باز آزمودن خطاست. نمي شود يك فرد يك عمر نماز بگزارد و اثر انگشت محسوس آن را در زندگي خود و جامعه خود و حتي نسل اندر نسل بعد از خود صفر و يا نزديك به صفر باشد (بدون باقيات صالحات).

بنابراين اگر خود را جزو يكي از اين گروه هاي بالا يافتي بايد نماز خواندن خود را تقويت كني. با چي؟ با مطالعه و تفكر. به فرمايش پيامبر(ص) "اول الدين معرفته و اول عبادة الله معرفته" (اول دين معرفت است و اولين عبادت خدا معرفت خداست. دانائي رمز مسلماني و نشان انساني است. با دانائي انسان دوپا، انسان بي پا مي شود. معراج مي كند، نماز اقامه مي كند و ديدارهاي يوميه (نماز) را شبانه روزي مي كند. براي آنكه بداني نمازت مقبول افتاده يا نه به اشك چشمانت و لرزش صدايت توجه كن. اين يعني قبول شدن در امتحان شفاهي! امتحان كتبي، نامه اعمال ماست. برخلاف همه امتحانها كه اول كتبي را مي گيرند بعد شفاهي! اينجا امتحان خلق خدا از خود خدا سخت تر است. چرا كه مردم عيال الله و خدا رب الناس است. اما محل امتحان، سطح جامعه (محلي، ملي و بين المللي) است. خوشبختانه تعداد اين ديدار ها/امتحان ها 5 نوبت در روز است. هيچ ديدار جمعي به تعدد بار عام هاي روزانه خدا نيست.

ياد داشته باشيم نماز را كه شروع كردي نبايد قطع كني مگر در موارد اضطراري. شكهاي نماز مانع قطع نماز تو نمي شوند. نمي تواني از وسط راه/ديدار/آزمون/ميهماني/ و هر چيز ديگر كه براي نماز قابل انطباق است برگردي! از حوزه مغناطيسي خارج شدن نه سزاوار تو و نه بندگي خداست. چه بد تعبيري است اين جمله نازيبا كه: خوش به حالت نمازت را خواندي و راحت شدي! راحتي از چي؟ نماز ركن دين و آغاز وظايف سنگين مسلماني ماست. اجيركردن فرد براي اداي نماز و روزه و... يك ميت پاك كردن صورت مسئله است. كسي كه خدا را در زمين ناقابل خدا ملاقات نكرده و يكبار هم شده در جمع حاضرين خدا حاضر نبوده چه توقعي از قيامت دارد و ترازوي قيامت دارد؟ هيچ عملي نمي تواند جايگزين نماز بشود. هزار حج جانشين يك ركعت نماز نمي شود. هزار سوگواري ماه محرم يك نيم ركعت نماز نيست. زيرا فعاليت هاي روزانه هر فرد مسلمان با نماز صبح شروع مي شود. جوامع غيرمسلمان اسلوب زندگي خود را دارند.

اما مسلمانان تكليفي بر دوش دارند كه اگر به آن آگاه بودند چه بسا اگر نمي توانستند خود را تغيير بدهند دنياي خلق خدا را تغيير مي دادند! نجات فردي در اسلام مذموم است. بداد مسلمان و نامسلمان شتافتن شعار اسلام است. اگر جوامع دو قطبي هستند، اگر پديده زشت استكبار و استثمار است چون دين خدا پياده نمي شود. اگر امام حسين شهيد و امام زمان غايب است چون اسلام پياده نمي شود. براي پياده كردن اسلام هم يك راه بيشتر فراروي ما نيست و آن اقامه نماز است. نماز از انسان نام، انسان امام مي سازد. نماز از يك امت خام، يك امت وسط مي سازد. اما بيمه نماز، زكات است. بيمه نامه نماز تا نوبت بعدي نماز است. منافعشش متوجه جامعه است(شخص ثالث).

زكات خروج از فرديت و رفتن در عرصه اجتماع است. زكات همزاد نماز است. پشت و روي يك سكه است. يك روي آن نماز و روي ديگر آن زكات. نماز خالي حرف مفت است! حتي اگر با اخلاص كامل باشد. هر ديدار (نماز) پاداش خداست و شكر آن دادن صدقه و زكات توسط نمازگزار است. جايگاه ساير فروع دين هم بسيار هوشمندانه تعيين شده است. در زكات محور بر

مبناي هركه بامش بيش برفش بيشتر است! اما كدام بام؟ بام يك نمازگزار واقعي يا بام يك تاجر بازاري؟ يا بام هر بنده اي كه مردم را به چشم عيال خدا مي بيند؟ در بازار اسلام، يك تاجر مسلمان فاقد گنج و گنجينه(كنز) است.

همه آحاد جامعه برخوردار از يك روزي متعارف هستند چون روزي او را خدا در سرزمين او و در اموال ديگران گذاشته است(چهل همسايه/الجار ثم الدار) تكليف محلي! روزي حلال و يك زندگي معمولي بر همه داشتن ها شرافت دارد. ضمن آنكه بركات فراوان دنيوي و اخروي دارد. وجود خط فقر و خط نكبت در جامعه ائي كه مردمش نماز بپا مي دارند(ديدارهاي يوميه) و به استقبال روزه (ميهماني ساليانه خدا) مي روند نشاندهنده عدم اجرا و يا اجراي نادرست دو فرمان بزرگ دين يعني نماز و روزه است. در چنين جامعه اي چه نماز بخواني و چه نخواني، چه زكات بدهي و چه ندهي، چه حج بروي و چه نروي نه تنها ثواب ندارد كه جزا هم دارد!!

اينجاست كه ديگر فروع دين سربلند مي كنند(تكليف ملي). درست است كه همه فروع را بايد با هم ديد اما بسته به شرايط روز، اجرائي مي شوند. اما تعطيلي ندارند! اعلامش به تشخيص بزرگان و دلسوزان جامعه است. همچنانكه رويت ماه در ماه مبارك رمضان مهم و الزامي است و در رسانه ها اعلام مي شود رويت اين شهاب سنگ هاي سرگردان، جامعه

سوز و خانمان برانداز هم بايد اعلام خطر بشود. جامعه بايد تلاش كند كارش به فروع ديگر دين كه از شيب تندي برخوردار هستند، نكشد. امر به معروف آخرين منطق نرم اسلام است. وقتي تعداد قليل صاحب كنز و تعداد كثير صاحب كفر شدند(به فرمايش پيامبر گرامي فقر از هر دري وارد شود ايمان از در ديگر خارج مي شود) نهي از منكر وارد عمل مي شود با تمام قد و قامتش و با همه هيبت و قدرتش در برابر هر نا آدم با مقام و بي مقامي! اگر زياده خواهان اصلاح شدند فبهاالمراد و گرنه امر جهاد بر هر زن و مرد مسلمان واجب مي شود. جهاد با دشمن داخلي(نرم افزار) سخت تر از دشمن خارجي(سخت افزار) است. اينجاست كه رسالت علماي مذهبي سنگين تر مي شود.....

نظرات

0

nima # 23:46 1391-11-06

مطلب خوبی بود.ومن معتقدم هرکس با دل وعقل خودش می تونه اسرار نمازرودرک کنه

پاسخ | پاسخ با بازگو کردن | بازگو کردن

تازه کردن لیست نظرات

اضافه کردن نظر

نام

ارسال